

نقش کتاب‌شناسی در فهرست‌نگاری

سید محمد اصفیائی

با در نظر گرفتن این دو خصوصیت کتاب، برای کتابخانه نیز، نسبت به موزه‌های آثار فرهنگی و هنری، می‌توان خصوصیتی را برشمرد؛ به ویژه در بین کتابخانه‌ها، کتابخانه بزرگ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی علیه السلام در قم، ویژگی دیگری دارد که دارای اهمیت بسیار است؛ و آن دیدگاه عالی بنیانگذار کتابخانه، در مستندسازی آثار علمی و فرهنگی اهل بیت علیهم السلام است.

برای آشنایی با گوشه‌ای از خصوصیات این کتابخانه، کافی است، به آثار خطی علما و فقهای طراز اول و یا به آثار مقابله، اجازه و سماع نگاه شود که از دستخط شیخ طوسی گرفته تا علمای سده حاضر، به ترتیب و در زمان اندکی جمع‌آوری شده، اسناد محکمی است که نشان می‌دهد، در طی بیش از هزار سال، تمام آثار اهل بیت و علمای بزرگ، کلمه به کلمه، بازخوانی و تصحیح شده است؛ چنان‌که اثر هزار ساله با آثار موجود چنان هماهنگی دارد که گویا نسخه امروز، به دقت از روی نسخه اصل، نگاشته شده است.

با توجه به ضرورت دینی، علمی و فرهنگی در معرفی و احیای میراث مکتوب، این گفتار به بخش اندکی از فن فهرست‌نگاری اختصاص داده می‌شود، بدان امید که اندوخته‌های ناچیز نگارنده، به دوستان منتقل گردد.

ما نخست باید تصوّر صحیحی از موضوع فهرست‌نگاری و فایده فهرست کتابهای خطی داشته، سپس تعریف جامعی از آن، ارائه کنیم؛ و چون تصوّر این موضوع، ساده و بدیهی نیست، تعریف

کتاب خطی در مقایسه با سایر موارث فرهنگی، دارای دو ویژگی عمده است:

نخست اینکه کتابهای خطی، بر خلاف سایر آثار، دارای زبان گویا و چهره آشکاری هستند که نمی‌توان به آسانی آنها را از قومی گرفت و به قوم دیگری نسبت داد.

مثلاً اگر ظروف سفالینه نیشابور، در موزه‌ای به عنوان «هنر عربی» نمایش داده شود، برای عامه پذیرفتنی است؛ اما ادعای مشابهی در مورد هزاران اثر علمی و فرهنگی از دانشمندان ایرانی، برای همگان روشن است که صرفاً یک مکابره است.

ویژگی دوم، وابستگی کتابهای پیشینیان با زندگی فردی و اجتماعی ماست؛ همان‌گونه که فقهای ما پیوسته به دنبال تازه‌های فقهی و روایی هستند و مورّخین به دنبال بازسازی گوشه‌های محو شده تاریخ، از یافته‌های تاریخی هستند، دانشمندان ما نیز، علی‌رغم پیشرفت دانش، هنوز نیازمند مطالعه نظرات فلسفی بوعلی سینا هستند.

بستر زمانی کتابت و آثار مکتوب اسلامی که در حال حاضر، با آنها در فهرست‌نگاری سر و کار داریم، از سده نخست هجرت آغاز شده و تا عصر رواج کامل صنعت چاپ، یعنی تا حدود یک قرن پیش، ادامه داشته است.

آثار مکتوب اسلامی، با نسخه‌هایی از کلام‌الله مجید آغاز شده و با تولد کتابهایی در حدیث، تاریخ و شعر، در سده اول و با گوناگونی رو به گسترش رشته‌های علمی، در سده دوم تا عصر حاضر ادامه داشته است.

دانستن سیر تحوّل تألیف، تصنیف، پیدایی علوم، شناختن دانشمندان پایه‌گذار و کتابهای مادر، در رشته‌های شناخته شده علمی، برای کتاب‌شناسی، بسیار ضروری است.

کاربرد عملی کتاب‌شناسی در فهرست‌نگاری، گزارش و توصیف متن کتاب بدین‌گونه است که فرض کنید، در برابر فهرست‌نگار، آثار دست‌نوشته‌ای برای ثبت و معرفی متن و گزارش نسخه آن قرار می‌گیرد؛ این آثار را بر حسب تجربه و به ترتیب، از شکل ساده در شناخت، تا اشکال پیچیده، طبقه‌بندی می‌کنیم:

۱. آثار معروف، مانند: قرآن کریم، نهج البلاغه، صحیفه سجّادیه، کتب اربعه شیعه، از صدر اول و کتابهای معروف دیگر از نظم و نثر، مانند: کلیله و دمنه، دیوان‌های شاعران مشهور، مانند: سنایی، سعدی و حافظ، غالباً شناخته شده‌اند و شناختن آنها، اگرچه اسم و شناسه‌هایشان در نسخه آشکار، نباشد، بسیار آسان است و بیشتر آنها - به ویژه کتابهای دینی یاد شده - به گزارش متن، نیازی ندارند و فقط، از نظر هنری و تاریخی معرفی می‌شوند.

۲. کتابهایی با نام و نشان و نام مؤلف وجود دارد که فهرست‌نگار، آنها را از پیش می‌شناسد و اگر هم نشناسد، آنها را با نسخه‌های دیگر و یا با نسخه چاپی مقابله می‌کند و با کمک منابع، گزارش نسخه را انجام می‌دهد.

۳. کتابهایی نیز وجود دارد که فاقد نام، نام مؤلف و یا فاقد سرگهای آغاز و انجام است و به هر صورت، عناوین ابواب و فصول در آنها نوشته نشده است. این‌گونه کتابها مبحث اصلی دانش فهرست‌نگاری است که به کتاب‌شناسی موضوعی و تاریخی نیاز دارد.

مراحل شناسایی کتابهای مجهول:

یک جلد کتاب خطی مجهول، در دایره وسیعی از شک و گمان قرار دارد که اگر فهرست‌نگار، آشنایی قبلی با متن آن کتاب نداشته باشد،

جامع آن نیز ساده نخواهد بود؛ اگرچه تعریف لفظی آن، ساده است. اگر در تعریف موضوع فهرست‌نگاری، بگوییم: «فهرست‌نگاری دست‌نوشته‌ها، دانشی است که کتاب را از نظر مؤلف، موضوع و ویژگیهای نسخه، معرفی می‌کند»، برای دانشمند پژوهشگر که می‌خواهد تحقیق مستندی بر اساس یک فهرست انجام دهد، سؤالاتی پدید می‌آید:

۱. آیا نام کتاب و نسبت آن به مؤلف قطعی است و اختلاف نظری میان دانشمندان، در آن نسبت وجود ندارد؟

۲. آیا مؤلف یا کتاب با همان‌مان خود، در زمانهای مختلف، مشته نشده است؟

۳. آیا موضوع کتاب به درستی معرفی شده و سبک و روش مؤلف، مشخص شده است؟

و در بحث نسخه‌شناسی:

۱. آیا تاریخ نسخه، تاریخ واقعی کتابت است؟ یا اینکه تاریخ تألیف، تاریخ نسخه قبلی، تاریخ یادداشت و حاشیه و یا تاریخهای دیگری است که نمی‌تواند مورد استناد قرار گیرد؛ و یا اینکه نسخه، بدون تاریخ است؛ و یا تاریخ آن واقعی نیست؛ به هر حال ارزیابی تعیین تاریخ چیست؟

۲. آیا کارشناسی نسخه و ویژگیهای آن، از نظر خط، هنر، مکتب هنر، درستی متن و سایر ویژگیها، به دقت انجام گرفته است؟

پاسخ این سؤالات، موضوع این مقال است که در دو بخش پیگیری می‌شود؛ ولی قبل از ورود به اصل بحث، یادآوری این نکته ضرورت دارد که مقصود ما از فهرست کتب خطی، آن فهرستی است که از سویی خواسته پژوهشگران را برآورده کند و از سویی دیگر، الگویی باشد، برای فهرست‌نگاران بعدی - به ویژه، برای معرفی نسخه‌هایی که نام و نشانی از مؤلف و نام کتاب، برخوردارند - نه آن فهرست‌نمایی که نام: «لیست انبار» بیشتر براننده آن است.

کتاب‌شناسی

کتاب‌شناسی، ابعاد گوناگونی دارد که اکنون، یکی از رشته‌های تحصیلات عالی است؛ ولی ما در این بحث به آن مقدار که در فهرست‌نگاری ضرورت دارد، بسنده کرده و پس از ذکر مقدمه‌ای کوتاه، به کاربرد عملی آن اشاره می‌کنیم.

شناخت آن تقریباً غیر ممکن است؛ مگر با روش و اصول صحیح کتاب‌شناسی که به گوشه‌هایی از آن، به عنوان انتقال تجارب به نسل بعدی، اشاره می‌کنیم:

۱. نخست، موضوع کتاب را مشخص می‌کنیم؛ به طور مثال، موضوع آن کلام است.

۲. آیا کتاب حاضر، متن است یا شرح و یا حاشیه و یا حاشیه حاشیه.

۳. زمان نسخه را تعیین می‌کنیم، به طور مثال، سده دهم است.

تا اینجا با شناخت موضوع، اندکی دایره شک و گمان را محدود نموده و با شناخت زمان نسخه، دست‌کم چند قرن از زمان جستجو کاسته‌ایم؛ یعنی با کتابهای کلامی بعد از سده دهم، کاری نداریم.

۴. پیچیده‌ترین شکل پیش‌بینی، این است که نسخه مجهول مورد نظر، حاشیه بر حاشیه‌ای بر شرح کتابی در کلام باشد. در این صورت می‌اندیشیم که در سده‌های قبل از تاریخ کتابت آن، چه کتابهایی در علم کلام، تصنیف شده و مورد استقبال قرار گرفته، آنگاه سرفصل و عنوان ویژه‌ای را از کتاب حاضر پیدا کرده و آن سرفصل و عنوان را با متون اصلی همان موضوع، مقابله می‌کنیم، به فرض در می‌یابیم که متن اصلی، تجرید الکلام خواجه طوسی است؛ سپس پیگیری می‌کنیم که پر حاشیه‌ترین شرح تجرید کدام است؛ مثلاً این ویژگی را در شرح تجرید قوشچی «شرح جدید» می‌بینیم؛ آنگاه به کمک منابع، به دست می‌آوریم که یکی از معروف‌ترین حواشی شرح جدید، حاشیه علامه دوانی است که حواشی متعددی بر آن حاشیه نوشته شده است و سرانجام، نسخه حاضر را با نسخه‌های تعریف شده، تطبیق می‌دهیم و در نتیجه، وضعیت نسخه را، به طور قطع، روشن می‌کنیم. این قیاس درباره سایر موضوعات نیز صحیح است.

در این باره، همان‌طور که پیشتر اشاره کردیم، شناخت تصانیف عمده در رشته‌های خاص، کمک زیادی به ما خواهد نمود.

قرینه‌های لازم جهت شناسایی زمانی نسخه:

پیشتر گفتیم تاریخ کتابت نسخه، تا مقدار زیادی دایره جستجو را محدود می‌کند؛ ولی تنها از یک سو چنین است؛ یعنی نسخه سده دهم، از شک و گمان سده‌های بعدی، خارج است؛ ولی همچنان در میان سده‌های قبل از دهم، محتمل‌الوجود است و ما می‌خواهیم از نظر زمان پیش از کتابت نیز، آن را محدود کنیم که در این مورد چند قرینه لازم است:

الف) سبک‌شناسی در نظم و نثر و هنجارهای علمی، مانند: علم اصول، کلام و فلسفه که ما را تا حدی به زمان تألیف راهنمایی می‌کند.

ب) در منابع و مآخذ کتاب، باید دقت کنیم، متأخرترین منابع نقل کدام است، تا آن را محدوده دیگری برای زمان تألیف قرار دهیم.

ج) کسی که کتاب به نام او نوشته شده و یا به وی اهدا شده و یا به صورت دیگری مدح شده است، اگر در تاریخ شناخته شده باشد، یا اینکه مؤلف از استاد خود که معروف باشد، یاد کرده باشد، قرینه‌ای برای زمان تألیف می‌شود.

د) درباره کتابهای تاریخ و تراجم و تذکره‌ها، بیشتر آخرین بخش تاریخی آن، زمان تألیف است.

ه) و بالاخره درباره دیوان شاعرانی که تخلص نداشته باشند (مانند حکیم قطران) یا اینکه تخلص آنان مشخص نباشد، مدایح و مرثی - در صورت معروف بودن سرایندهگان آن - به روشن شدن دوران شاعر کمک می‌کند.

و) درباره کتابهای حدیثی و تاریخهای روایی، طریق روایتی مؤلف به مشخص شدن او کمک می‌کند؛ مانند آخرین شخص راوی، یعنی کسی که مؤلف از او روایت می‌کند، با مراجعه به کتابهای رجالی، شناسایی شده و شاگردان و راویان مجاز (دارای اجازه) از او، مشخص می‌گردد، سپس در جستجو بین شاگردان او و آثارشان، مؤلف کتاب شناخته می‌شود.

ی) در مورد کتابهای فقهی و اصولی مجهول، نخستین اقدام باید شناسایی مذهب و نوع مکتب مؤلف باشد؛ یعنی گذشته از مذهب شیعه و سنی، مکتب فقهی و اصولی آنان مشخص شود، تا در دایره‌ای محدودتر و قابل دسترسی جستجو شوند.

از مثالهای یاد شده به این نتیجه می‌رسیم که برای شناخت نسخه مجهول، باید اول، تاریخ کتابت را به طور موقت، آخرین حد زمانی تألیف قرار داده و سپس از متن کتاب نیز حد دیگری به دست آوریم که اولین حد زمانی را برای تألیف مشخص کند؛ آنگاه یک محدوده زمانی به دست می‌آید که باید نام کتاب و مؤلف، در آن محدوده جستجو شود؛ مثال:

کتاب مجهولی را فرض کنید که در سده یازدهم هجری نوشته شده و در جستجوی متن آن، اشعاری از محتشم کاشانی دیده می‌شود؛ ما با وجود این دو نشانه به این قطعیت می‌رسیم که مؤلف، معاصر محتشم بوده، یا بعد از او می‌زیسته و حداکثر تاریخ تألیف، سده یازدهم، مطابق نسخه حاضر است.

پس مؤلف، در بین سده‌های دهم و یازدهم می‌زیسته است؛ بنا بر این، محدوده تحقیقات ما برای کشف هویت این اثر، فقط آثار مشابه سده‌های دهم و یازدهم خواهد بود.

گروه دیگری از کتابهای خطی، وجود دارد که نام کتاب یا مؤلف و یا هر دو، در آنها به اشتباه نوشته شده است که گاهی به دلیل تشابه اسمی یا ساختاری بوده و گاهی نیز متأسفانه، داخل منابع و مآخذ و در نتیجه، وارد فهراس شده است.

طبقه‌بندی کتابها بر اساس صحت انتساب به مؤلفان:

برای اجتناب از تکرار اشتباه‌ها در نامها و نسبتها، باید کتابها را از جهت درستی و نادرستی انتساب به مؤلفان، در سه گروه مسلمات، مشککات و کتب نادره، طبقه‌بندی کنیم؛ به‌طور مثال، اکثر کتابها و تصانیف محمد بن ثلاثه اوائل؛ یعنی مؤلفان کتب اربعه شیعه، جزو مسلمات و مشهورات است؛ مگر اندکی، مانند: مصادقة الاخوان، منسوب به صدوق و چند نمونه دیگر که بحث مفصل آن، در مقدمه بحار الانوار، تألیف علامه مجلسی، آمده است.

همین وضعیت در آثار ادبی و تاریخی به زبان فارسی نیز وجود دارد؛ مانند: اکثر آثار حکیم سنایی جزو مشهورات و اندکی هم در مقام تشکیک است؛ ولی درباره آثار عطار نیشابوری، دایره تشکیک وسیع‌تر است.

گروه دیگر، کتابهای نادر و کمیابی هستند که از گوشه و کنار شهرهای کشورمان ظهور می‌کنند و غالباً نسخه‌های کهن هستند و شاید علت نادر بودن آنها، حبس شدن در نزد غیر عالمان و عدم دسترسی برای نسخه‌برداری و تکثیر بوده است.

نمونه‌هایی کهن، از این نسخه‌ها در کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی رحمته وجود دارد که بعضی از آنها در فهرستهای منتشر شده، معرفی شده‌اند و برخی دیگر، در دست انتشار است.

نام بعضی از این کتابها و همچنین نام مؤلف آنها و یا نسخه‌دگیری از آنها، در هیچ منبعی، به دست نیامده و یا نام مؤلف، ذکر شده؛ ولی اشاره‌ای به نام تألیف او نرفته است.

درباره چنین کتابهایی، باید نهایت دقت را به کار برد، تا شکل تحریف شده‌ای از کتاب معروف دیگری نباشد.

به عنوان مثال: در فهرست کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته، جلد ۲۱، از کتابی در موضوع طب، به نام کاشف الاسرار، اثر قطب‌الدین شیرازی (م ۷۱۰ هجری)، به شماره ۸۱۴۶، با قطع شاهی و دارای ۳۶۳ برگ (۷۲۶ صفحه ۲۹ سطری)،

به تاریخ تحریر ۸۳۹ هجری - که مبنای نام کتاب و مؤلف آن، نوشته اصلی بوده که در بالای صفحه آغاز، نگاشته شده - معرفی شده است. از طرف دیگر، چندی پیش نسخه کهنی از این کتاب با آغاز و انجام افتاده، که ظاهراً به حدود سده هفتم ق تعلق داشت، به دست آمد و بعد از رنج بسیار، دریافتیم که نسخه دیگری از کاشف الاسرار است؛ ولی دلایلی چند، شک و تردید ما را در صحت انتساب این دو نسخه، به قطب شیرازی، برانگیخت:

نخست، در هیچ یک از منابع، کتابی در دانش طب با چنین نامی و منسوب به قطب شیرازی یا کسی دیگر، نیافتیم و در مرحله بعد، می‌دانیم که قطب شیرازی، بر قانون بوعلی شرح نوشته؛ و از طرفی نیز کتاب کاشف الاسرار، دقیقاً با اساس اسلوب قانون تألیف شده است؛ پس چنین کتابی نمی‌تواند اثر همان شخصی باشد که بر قانون شرح نوشته؛ چراکه این یعنی کار دوباره، آن هم با این وسعت.

به هر حال، کار تحقیق، به علت ارزش و اهمیت موضوع فوق، به صورت استقرایی، ادامه یافت تا سرانجام روشن شد که این کتاب به حکیم و طبیب و ادیب بلند آوازه تبریز، «مذهب‌الدین علی بن احمد تبریزی (م ۶۱۰ ق)»، تعلق دارد و نسخه‌های متعددی از آن، در کتابخانه‌های مجلس، ملی، ملک و جاهای دیگر، موجود است که نام آن: المختار فی الطب، آمده است. و همچنین در این جستجو به نسخه ناقصی از این کتاب رسیدیم که کسی به نام «صالح بن شرف‌الدین» آن را به نام تألیف خود، در سده سیزدهم ق به محمدحسن میرزای قاجار تقدیم نموده و نام آن را مدار الصناعة نهاده است!

یکی دیگر از علل اشتباه در انتساب آثار، وجود تلفیقهای عمده‌ای است که بسیار اتفاق افتاده است؛ گاهی ممکن است دو کتاب، در بخشهای عمده‌ای باهم یکی باشند و فهرست‌نگار، با مقابله آن بخش عمده، خود را قانع کند که گم شده‌اش را یافته است؛ ولی غافل از اینکه همان بخش مقابله شده، عیناً از کتاب دیگری نقل شده است و در بخشهای دیگر با کتاب مذکور تفاوت دارد. در این باره، به علت غیراخلاقی بودن تتبع عورات مسلمین، از ذکر مثالهای آن خودداری می‌کنیم.

یکی دیگر از علل اشتباه‌ها، که بیشتر بر اساس گمان یک نفر اتفاق می‌افتد، همگونیهای مختلف بین دو اثر است که در شرایط نادر بودن یکی از دو اثر همگون، اثر شایع، با اثر نادر، یکی تصور شده و به مؤلف مشهور نسبت داده می‌شود؛ مثال عینی چنین پدیده‌ای، نسبت کتاب النکت الاعتقادیة، به شیخ مفید است.

این کتاب در فهرست آستان قدس (۱۳۰۵ شمسی) به شماره ۲۰۶، به نام عقائد فخرالدین، معرفی شده که گویا در ظهر نسخه، آن را به فخر المحققین، فرزند علامه حلی نسبت داده‌اند؛ ولی در جلد چهارم همان فهرست (۱۳۲۵ شمسی)، نسخه چاپی آن را به شیخ مفید، نسبت داده که به وسیله علامه فقیه، سید هبه‌الدین شهرستانی، در بغداد، در سال ۱۳۴۳ قمری، طبع و منتشر شده است. پس از چاپ این کتاب، که از تاریخ آن بیش از ۷۰ سال گذشته، اکثر فهارس به دنبال این گمان حرکت نموده‌اند و اندک توجهی به محتوای کتاب نکرده‌اند که به وضوح، رد پای مکتب کلامی خواجه نصیر طوسی و حتی کلمات او را در خطبه کتاب ببینند و یا اینکه نگاهی دیگر به آثار کلامی شیخ مفید^۱ نینداخته‌اند، تا تفاوت بین مکتب کلامی قرن چهارم و قرن هشتم را دریابند. این پندار، آن‌گونه در جای یقین قرار گرفته بود که حتی در کنگره بزرگداشت شیخ مفید، این اثر به عنوان یکی از آثار قطعی او معرفی گردید؛ این اشتباه وجود داشت تا اینکه اثر گران قدر و نسخه نادر کتاب النکت فی مقدمات الاصول، یافته شد و همراه ده‌ها اثر تحقیقی دیگر، از سوی متولی و رئیس محترم کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی^۲ خریداری شد و تحویل گنجینه آن گردید و به مناقشات فرهنگی ۷۰ ساله، در مورد این پژوه، خاتمه داد.

گفتنی است که اثر فوق، اثر واقعی شیخ مفید است و به خط مرحوم آیت‌الله شیخ محمد باقر بهاری، از روی نسخه ۷۴۰ قمری، به خط ابن العودی کتابت شده است.

ما علت این اشتباه را همگونی متعدد دو کتاب، نسبت به یکدیگر می‌دانیم؛ یعنی نام هر دو، نکت است و موضوع هر دو «علم کلام» است و هر دو، دارای پنج فصل هستند؛ لکن یکی نادر و دیگری شایع.

ارزش و اهمیت نسخه‌شناسی در کتاب‌شناسی:

بخش مهم دیگری از دانش کتاب‌شناسی که در فهرست‌نگاری، کاربرد اساسی دارد، نسخه‌شناسی است با تمام لوازم آن؛ اعم از هنرشناسی و دیرینه‌شناسی با تمام فروع و ظرافتها که متأسفانه، تاکنون یک

تخصّص تجربی بوده است که بر اساس ذوق و استعداد، همراه با کار مداوم با آثار به دست می‌آید.

در این باره، ضمن تأکید بر لزوم تعدد تخصصها در گروه فهرست‌نگاری و اینکه یک نفر فهرست‌نگار، نمی‌تواند دارای همه تخصصهای لازم باشد، امیدواریم اصحاب ذوق و تخصص در هنرهای ترسیمی گذشته، تلاش کنند که فهرست‌نگاران تازه کار و جوان، با هنر، خط، تذهیب و نقاشی، در دوره‌های مختلف آشنا شده و اصطلاحات اصیل به آنها آموخته شود و از کاربرد بدعتها در توصیف آثار، که متأسفانه در این اواخر رواج پیدا کرده، خودداری شود.

در خاتمه تقاضا و پیشنهاد ما به برادران خود در جمهوری اسلامی و در سایر کشورهای اسلامی و غیر اسلامی، آن است که با استفاده از فرصتهای مناسب و وسایل ارتباط جمعی پیشرفته موجود، بدون اتلاف وقت، به جمع‌آوری اطلاعات درباره کتابهای خطی اقدام کرده و آن را با دیگر کشورهای اسلامی مبادله کنند و اگر چندان مجال کارشناسی ندارند، عکس صفحه آغاز و انجام را با هر نامی که به نظرشان می‌رسد، چاپ کرده و منتشر کنند و توصیه می‌کنیم که وقت خود را در فهرست نمودن نسخه‌های بسیار مکرر، مانند کتابهای صرف و نحو عربی صرف نکنند؛ بلکه با فهرست کردن نسخه‌های مصحح و قدیم، آمار مکررات آنها را با ذکر تاریخ کتابت مشخص کنند.

یک بار دیگر، این پیشنهاد را به سازمان کنفرانس اسلامی تکرار نموده و اضافه می‌کنیم که منتهای این آرزو، احداث یک مرکز اطلاعات کتابهای خطی اسلامی موجود در تمام جهان است که فقط آن سازمان، می‌تواند این امر فرهنگی مهم را در دستور کار خود قرار داده و آن را برآورده کند.